

فارسی گفتاری و نوشتاری

ایران کلیاسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقاله‌ی حاضر مقایسه‌ی است بین گونه‌ی فارسی گفتاری مخصوص طبقه‌ی تحصیل‌کرده‌ی تهرانی و فارسی نوشتاری. بخشی از فرایندهای آوایی که در گونه‌ی گفتاری مزبور مشاهده شده، عبارت است از: همگونی و ناهمگونی همخوان‌ها، همگونی وا که‌ها، همگونی وا که با همخوان، ابدال، حذف، اضافه و قلب.

مقدمه

بشر در تمام فعالیت‌های خود سعی می‌کند که با صرف حداقل نیروی فکری و بدنی، نیازهای خود را برآورده سازد و این همان اصلی است که در اصطلاح «قانون کم‌کوشی» نامیده شده است. این قانون در مورد زبان هم صادق است، به این معنی که گویندگان هر زبان صداهای آن را از لحاظ تولید تاحدی که به تمایزات معنایی لطمه نزنند آسان‌تر می‌کنند، تا با صرف نیروی کم‌تر، بیش‌ترین استفاده را از این وسیله‌ی ارتباطی به دست آورند. این امر یکی از دلایل تفاوت‌های زبان نوشتاری و گفتاری در بیش‌تر جوامع است که شامل زبان فارسی نیز می‌شود.

باید در نظر داشت که زبان نوشتار چون مکتوب است کم‌تر دستخوش تغییر می‌گردد، ولی این گونه‌ی زبانی نیز به تدریج و در طول سال‌های متمادی تغییر می‌کند. برای مثال،

تبدیل «همی» به «می»، «اندر» به «در»، *xvatây* به *xodâ* (خدا)، *brâtar* به *barâdar* (برادر)، *pâre* به *pârah* (پاره) و *pâkîh* به *pâki* (پاکی) نمونه‌ی تغییراتی است که از دوران گذشته‌ی زبان فارسی تا کنون در این زبان صورت گرفته است؛ ولی تغییراتی که در زبان گفتار صورت می‌پذیرد بیش‌تر و سریع‌تر است.

تغییرات آوایی زبان را که غالباً در اثر همنشینی واحدهای آوایی صورت می‌پذیرد، «فرایندهای آوایی»^۱ گویند. بخشی از فرایندهای آوایی که در فارسی گفتاری در مقایسه با فارسی نوشتاری به چشم می‌خورد، در این مقاله می‌آید. بی‌مناسبت نیست گفته شود که زبان فارسی علاوه بر لهجه‌های مختلف مانند تهرانی، اصفهانی، شیرازی، مشهدی، کرمانی و جز آن و دو گونه‌ی کلی نوشتاری (ادبی) و گفتاری (محاوره‌یی)، دارای گونه‌های فرعی دیگری است که در ارتباط با جنس، سن، شغل، طبقه‌ی اجتماعی و محل سکونت افراد تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. آنچه در زیر می‌آید مقایسه‌ی گونه‌ی گفتاری طبقه‌ی تحصیل‌کرده‌ی تهرانی با گونه‌ی نوشتاری است.

فرایندهای آوایی

فرایندهای آوایی زبان فارسی شامل موارد زیر است:

الف - همگونی^۲ همخوان‌ها

گاهی همخوانی، در همنشینی با همخوان دیگر، بعضی از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و مختصات همخوان قبل یا بعد از خود را می‌پذیرد. وقتی صدایی بر صدای بعد از خود اثر گذارد و آن را تغییر دهد به آن همگونی «پیش‌گرا»^۳ گویند، مانند تبدیل *q* (انسدادی) به *x* (سایشی) در مجاورت *š* (سایشی) در *mašq* (مشق) به *mašx*. ولی هرگاه صدایی بر صدای قبل از خود اثر بگذارد به آن همگونی «پس‌گرا»^۴ گفته می‌شود، مانند تبدیل *q* در *naqše* (نقشه) به *x* در *naxše*.

همگونی گاهی ناقص و گاهی کامل است. در همگونی ناقص، صدایی از نظر

1. phonological process

2. assimilation

3. progressive

4. regressive

مختصات آوایی به صدای دیگر نزدیک می‌شود ولی با آن یکسان نمی‌گردد؛ مانند تبدیل n (لثوی) به m (دولبی) در مجاورت b (دولبی) در šambe (شنبه) به šambe. در همگونی کامل، صدایی کاملاً با صدای دیگر یکسان می‌گردد، مانند تبدیل d به t در مجاورت t در badtar (بدتر) به battar.

مشخصه‌های آوایی زیر بر اثر فرایند همگونی به مشخصه‌های دیگر تبدیل می‌شوند:

۱. دندانی به لثوی، در مجاورت همخوان لثوی:

daste دسته → dassé (t → s)

dozdi دزدی → dozzi (d → z)

۲. لثوی به دولبی، در مجاورت همخوان دولبی:

anbâr انبار → ambâr (n → m)

۳. انسدادی به سایشی، در مجاورت همخوان سایشی یا انسدادی سایشی:

raqs رقص → raxs (q → x)

naqš نقش → naxš (q → x)

bâqçe باغچه → bâxçe (q → x)

۴. انسدادی سایشی به سایشی، در مجاورت همخوان سایشی:

hičvaqt هیچ‌وقت → hišvax(t) (č → š)

۵. واگذاری به بی‌واکی، در مجاورت همخوان بی‌واک:

sadtâ صدا → sattâ (d → t)

noqte نقطه → noxte (q → x)

naqs نقص → naxs (q → x)

azsar از سر → assar (z → s)

âbpâš آبیاش → âppâš (b → p)

šabpare شب‌پره → šappare (b → p)

۶. بی‌واکی به واگذاری، در مجاورت همخوان واگذار:

dokme دکمه → dogme (k → g)

hefda هفده → hevda (f → v)

ب - ناهمگونی^۱ همخوان‌ها

«ناهمگونی» عکس همگونی است، به این معنی که صدایی بعضی از مختصات مشترک خود را که با صدای مجاور داشته است از دست می‌دهد و مختصه‌های آوایی دیگری به دست می‌آورد. مثلاً در تبدیل laškar (لشکر) به lašgar، همخوان k مختصه‌ی بی‌واکی و سختی خود را که با š شریک بوده از دست داده و به g واگذار و نرم تبدیل شده است. موارد زیر نمونه‌های دیگری از ناهمگونی همخوانی هستند که در آنها همخوان‌های انسدادی سایشی č و ž در مجاورت همخوان‌های انسدادی k، t یا d تبدیل به همخوان‌های سایشی š یا ž می‌گردند، به این معنی که مشخصه‌ی انسدادی خود را از دست می‌دهند:

hičkâr —> hiškâr (č → š) هیچ‌کار

panjtâ —> panštâ (j → š) پنج‌تا

taǰdid —> taždid (j → ž) تجدید

ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که در زبان فارسی، ناهمگونی تنها بین همخوان‌ها اتفاق می‌افتد و ناهمگونی واکه‌یی وجود ندارد. ولی در بعضی از گویش‌های ایرانی ناهمگونی واکه‌یی نیز وجود دارد.^(۱)

ج - همگونی واکه‌ها

گاهی واکه‌یی در همنشینی با واکه‌ی دیگر پاره‌یی از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و مختصات واکه‌ی قبل یا بعد از خود را به دست می‌آورد. همگونی واکه‌یی را «هماهنگی واکه‌یی»^۲ نیز نامیده‌اند که به دو نوع پس‌گرا و پیش‌گرا تقسیم می‌شود. موارد زیر نمونه‌هایی از همگونی واکه‌یی پس‌گرا و پیش‌گرا هستند:

۱. پس‌گرا:

beriz —> biriz (e → i) بریز

kelid —> kilid (e → i) کلید

bexor	بخور	→	boxor	(e → o)
bekoš	بکش	→	bokoš	(e → o)
berow	برو	→	borow	(e → o)
bahâr	بهار	→	bâhâr	(a → â)

۲. پیش‌گرا:

gozâštam	گذاشتم	→	gozoštam	(â → o)
âvardam	آوردم	→	âvordam	(a → o)

در مثال اخیر (âvardam) وا‌که‌ی پیشین a در مجاورت وا‌که‌ی پسین â به وا‌که‌ی پسین o تبدیل شده است (âvordam).

د- همگونی وا‌که با همخوان

همگونی گاهی میان یک وا‌که و همخوان مجاور آن بروز می‌کند. موارد زیر نمونه‌هایی از این همگونی هستند. باید متذکر شد که این نوع همگونی نیز می‌تواند پس‌گرا یا پیش‌گرا باشد:

۱. وا‌که‌ی نیم باز e به وا‌که‌ی بسته‌ی i، در مجاورت همخوان‌های لثوی، لثوی کامی یا کامی n، š، č، j و y:

negâh	نگاه	→	nigâh
šeš	شش	→	šiš
šekar	شکر	→	šikar
âteš	آتش	→	âtiš
kuček	کوچک	→	kučik
čekâr	چکار	→	čikâr
jegar	جگر	→	jigar
beyâ	بیا	→	biyâ

۲. وا‌که‌ی باز â به وا‌که‌ی بسته‌ی u، در مجاورت همخوان‌های n و m. باید یادآور شد که این نوع فرایند تنها در تعدادی از واژه‌ها صورت می‌گیرد و نه در همه‌ی آنها (صادقی،

۱.۲. در ضمائر اشاره:

ân آن → un

ânhâ آنها → unâ

۲.۲. در ضمائر شخصی پیوسته:

ketâb-emân کتابمان → ketâb-emun

ketâb-etân کتابتان → ketâb-etun

ketâb-ešân کتابشان → ketâb-ešun

۳.۲. در نشانه‌ی سببی ساز فعل:

xandânidan خندانیدن → xandundan

garyânidan گریانیدن → geryundan

۴.۲. در تعدادی از کلمات دیگر، مانند:

nân نان → nun

âsân آسان → âsun

bâdâm بادام → bâdum

tamâm تمام → tamum

nayâmad نیامد → nayumad

۳. واکه‌ی نیم‌باز o به واکه‌ی بسته‌ی u، در مجاورت همخوان غنه‌یی:

xânôm خانم → xânum

۵- ابدال^۱

«ابدال» اصطلاحی است که در زبان‌شناسی تاریخی به کار می‌رود و به تغییرات صدایی گفته می‌شود که در نتیجه‌ی مجاورت صداهای کلمات یا تک واژه‌ها اتفاق می‌افتد. این اصطلاح در زبان‌شناسی همزمانی نیز گاهی برای تغییرات آوایی به کار می‌رود (کریستال

پاره‌یی تغییرات آوایی را که به نظر می‌رسد نمی‌توان توجیه آوایی دقیقی برای آنها ارائه کرد در اینجا می‌آوریم:

۱. تبدیل ? (همزه) به v در کلمه‌ی زیر: (۲)
 jöz? —→ jözv جزء

۲. تبدیل y به r در افعال زیر:

mišuyam می‌شویم —→ mišuram

mijuyam می‌جویم —→ mijuram

۳. تبدیل y به b در واژه‌ی زیر:

ĵuy جوی —→ ĵub

۴. تبدیل h به r در واژه‌ی زیر:

negahdâr نگهدار —→ nigardâr

۵. تبدیل d به n در دوم شخص جمع فعل پی‌بستی یا شناسه‌ی فعلی:

xub-id خوبید —→ xib-in

xord-id خوردید —→ xord-in

mixor-id می‌خورید —→ mixor-in

۶. تبدیل â به o در حرف اضافه «را»، پس از کلمات مختوم به واکه:

mâ-râ ما را —→ mâ-ro

bâbâ-râ بابا را —→ bâbâ-ro

۷. تبدیل e پایانی کلمات به a، قبل از حرف اضافه‌ی «را»:

bače-râ بچه را —→ bača-ro

xâne-râ خانه را —→ xuna-ro

۸. تبدیل e آغازی ضمائر شخصی پیوسته‌ی جمع به a، پس از حرف اضافه‌ی «از»:

az-emân ازمان —→ az-amun

az-etân ازتان —→ az-atun

az-ešân ازشان —→ az-ašun

۹. تبدیل a آغازی ضمائر شخصی پیوسته (دوم و سوم شخص مفرد) به e، پس از فعل یا اسم مختوم به همخوان:

zad-at	زَدَت	→	zad-et
zad-aš	زَدَش	→	zad-eš
ketâb-at	کِتَابَت	→	ketâb-et
ketâb-aš	کِتَابَش	→	ketâb-eš

۱۰. تبدیل a به e در هجای آغازی بعضی از کلمات:

rasidan	رَسِیدَن	→	residan
kašti	کَشْتِی	→	kešti
kašid	کَشِید	→	kešid

و- حذف^۱

گاهی یک یا چند صدا از زنجیره‌ی گفتار حذف می‌گردد، به این دلیل که ترکیب آواها براساس طبیعت آوایی آن زبان، ثقیل به نظر می‌رسد. مواردی از حذف صدا در فارسی گفتاری در زیر می‌آید. ضمناً اضافه می‌گردد که «حذف» بیش از سایر فرایندهای آوایی در زبان فارسی انجام می‌گیرد:

۱. حذف یک همخوان؛ این حذف شامل موارد زیر است:

۱.۱. حذف t از خوشه‌های همخوانی ft، xt، mt و qt در پایان یا میان کلمه:

mošt	مُشْت	→	moš
saxt	سَخْت	→	sax
seft	سَفْت	→	sef
vaqt	وَقْت	→	vax
mâst	مَاسْت	→	mâs
dastmâl	دَسْتَمَال	→	dasmâl

۲.۱ حذف d از خوشه‌های همخوانی nd و zd در پایان یا میان کلمه:

čand	چند	→	čan
xuband	خوبند	→	xuban
xordand	خوردند	→	xordan
mozd	مزد	→	moz
dozd	دزد	→	doz
dozdgir	دزدگیر	→	dozgir

۳.۱ حذف r از خوشه‌ی همخوانی در پایان کلمه:

čeqadr	چه قدر	→	čeqad
sabr	صبر	→	sab
četowr	چه طور	→	četow ^(۳)

۴.۱ حذف l از خوشه‌ی همخوانی sl در کلمه‌ی زیر:

mesl-e	مثلی	→	mes-e
--------	------	---	-------

۵.۱ حذف m از خوشه‌ی همخوانی šm در کلمه‌ی زیر:

češm	چشم	→	češ
------	-----	---	-----

۶.۱ حذف k در کلمه‌ی «یک»، قبل از همخوان دیگر:

yek-mard	یک مرد	→	ye-mard
----------	--------	---	---------

۷.۱ حذف y پایانی کلمات، پس از واکه‌های â و u:

pây	پای	→	pâ
-----	-----	---	----

muy	موی	→	mu
-----	-----	---	----

۸.۱ حذف w از واکه‌ی دوگانه ow، همراه با کشش o در پایان یا میان کلمه:

jelow	جلو	→	jelo:
-------	-----	---	-------

zowq	ذوق	→	zo:q
------	-----	---	------

rowšan	روشن	→	ro:šan
--------	------	---	--------

۹.۱ حذف? (همزه) از پایان یا میان کلمه، همراه با کشش واکه‌ی مجاور آن:

su?	سوء	→	su:
-----	-----	---	-----

jam? جمع → ja:m

ja?l جعل → ja:l

še?r شعر → še:r

۱۰.۱. حذف h از پایان یا میان کلمه، همراه با کشش واکه‌ی مجاور آن:

kuh کوه → ku:

pih پیه → pi

qahr قهر → qa:r

mifahmam می فهمم → mifa:mam

این حذف در کلمه‌ی «هم» و نشانه‌ی جمع «ها»، پس از کلمه‌ی مختوم به همخوان

نیز صورت می‌گیرد:

man-ham من هم → man-am

mard-hâ مردها → mard-â

و بالاخره کلمه‌ی panj (پنج) در فارسی گفتاری گاهی به صورت payn درمی‌آید که علت آن حذف همخوان آو کشش واکه‌ی قبل از آن است که به صورت ay تظاهر می‌کند.

۲. حذف یک واکه؛ این حذف شامل موارد زیر است:

۱.۲. حذف واکه‌ی e از هجای آغازی افعال «شناختن، شنیدن، شمردن، شکستن،

شکافتن، سپردن، فرستادن»، پس از نشانه‌های تصریفی mi- و be-:

mi-šenâsam می شناسم → mi-šnâsam

be-šenavam بشنوم → be-šnavam

mi-šemoram می شمردم → mi-šmoram

be-šekanam بشکنم → be-škanam

mi-šekâfam می شکافم → mi-škâfam

be-seporam بسپرم → be-sporam

mi-ferestam می فرستم → mi-frestam

۲.۲. حذف واکه‌ی *o* از هجای آغازی افعال «فروختن، گذشتن، گذرانیدن»، پس از نشانه‌های تصریفی *mi-* و *be-*:

mi-foruxtam	می فروختم	→	mi-fruxtam
be-gozaram	بگذرم	→	be-gzaram
mi-gozaštam	می گذشتم	→	mi-gzaštam
be-gozarânam	بگذرانم	→	be-gzarunam

۳.۲. حذف واکه‌ی *i* از نشانه‌ی تصریفی *mi-*، پس از نشانه‌ی نفی *ne-* در بعضی از افعال:

ne-mi-dânestam	نمی دانستم	→	ne-m-dunestam
ne-mi-dânam	نمی دانم	→	ne-m-dunam

۳. حذف یک همخوان و واکه‌ی مجاور آن؛ این نوع حذف نیز می‌تواند پیش‌گرا یا پس‌گرا باشد، به این معنی که حذف واکه هم قبل از همخوان و هم پس از آن صورت می‌گیرد. موارد زیر نمونه‌هایی از این نوع حذف است:

۱.۳. حذف *ya* یا *ye* در مرز بین شناسه‌ی فعلی، ضمائر شخصی پیوسته یا کسره‌ی اضافه و واژه‌ی قبل از آنها و نیز در هجای آغازی فعل «انداختن»، پس از نشانه‌ی تصریفی *mi-* و *be-*:

miyâ-yam	می آیم	→	miyâm
mizâ-yad	می زاید	→	mizâd
pâ-yam	پایم	→	pâm
pâ-yemân	پایمان	→	pâmun
bâbâ-yešân	بابایشان	→	bâbâšun
pâ-ye-man	پای من	→	pâ-man
mi-yandâzam	می اندازم	→	mindâzam
be-yandâz	بینداز	→	bendâz

باید توجه کرد که حذف واکه در مثال‌های بالا پس از همخوان *y* صورت گرفته، ولی

در مورد زیر، این حذف شامل واک‌های قبل از y (یعنی u) شده است:

migu-yam → می‌گویم migam

۲.۳ حذف e یا a در مرز بین فعل پی‌بستی یا ضمائر شخصی پیوسته و واژه‌ی قبل از آنها و نیز حذف i در هجای آغازی فعل «ایستادن»، پس از نشانه‌ی تصریفی mi-:

rafte-?am → رفته‌ام raftam

bačče-?ast → بچه است baččas(t)

injâ-?ast → اینجا است injâs(t)

xâne-?at → خانه‌ات xunat

vâ-mi-?istam → وامی ایستم vâmistam

vâ-mi-?istâdam → وامی ایستادم vâmistâdam

۳.۳ حذف همخوان h و واک‌های قبل یا بعد از آن در افعال «خواستن، دادن، جهیدن» پس از نشانه‌ی تصریفی mi- و نیز در تعداد دیگری از کلمات:

mi-xâham → می‌خواهم mixâm

mi-deham → می‌دهم midam

mi-ĵeham → می‌جهم miĵjam

pirâhan → پیراهن piran

âheste → آهسته âste/âsse

ĵahâz → جهاز ĵâz

این حذف در کلمه‌ی «هم» و نشانه‌ی جمع «ها»، پس از کلمه‌ی مختوم به واک‌های نیز

صورت می‌گیرد:

fardâ-ham → فردا هم fardâm

mârâ-ham → ما را هم mâram

xâne-ham → خانه هم xunam

xâne-hâ → خانه‌ها xunâ

در دو مثال اخیر، علاوه بر «حذف»، تبدیل واک‌های â به u نیز صورت گرفته است.

۴.۳. حذف همخوان v و واکه‌ی مجاور آن در افعال «رفتن، آوردن، شدن» پس از نشانه‌های تصریفی mi- و be-:

mi-ravam	می‌روم	→	miram
mi-yâvaram	می‌آورم	→	miyâram
be-šavam	بشوم	→	bešam

۵.۳. حذف همخوان n و واکه‌ی مجاور آن در فعل «نشستن»، پس از نشانه‌های تصریفی mi- و be-:

mi-nešinam	می‌نشینم	→	mišinam
be-nešin	بنشین	→	bešin
be-nešân	بنشان	→	bešun

۶.۳. حذف همخوان g و واکه‌ی مجاور آن در فعل «گذاشتن»، پس از نشانه‌های تصریحی mi- و be-:

mi-gozâštam	می‌گذاشتم	→	mizâštam
mi-gozâram	می‌گذارم	→	mizâram
be-gozâr	بگذار	→	bezâr

۴. حذف بیش از دو صدا؛ گاهی بیش از یک همخوان و واکه حذف می‌گردد:

injâyand	اینجايند	→	injân	(حذف d و a و y)
miyâyand	می‌آيند	→	miyân	(حذف d و a و y)
rafte?and	رفته‌اند	→	raftan	(حذف d و ? و e)
rafte?ast	رفته‌است	→	raftas	(حذف t و ? و e)
xâne?ast	خانه‌است	→	xunas	(حذف t و ? و e)
kojâ?ast	کجا‌است	→	kojâs	(حذف t و a و ?)
mibâyest	می‌بايست	→	mibâs	(حذف t و e و y)
manrâ-ham	من راهم	→	manam	(حذف h و â و r)

۵. حذف همراه با همگونی یا ابدال؛ در موارد زیر، علاوه بر «حذف»، فرایند همگونی یا

ابدال نیز صورت گرفته است:

۱.۵ حذف d پایانی شناسه و تبدیل a به e قبل از آن:

mixorad می‌خورد → mixore

mizanad می‌زند → mizane

۲.۵ حذف d پایانی شناسه و بخشی از ستاک فعلی و تبدیل a به e قبل از آن:

miravad می‌رود → mire

miguyad می‌گوید → mige

۳.۵ حذف st از ast و تبدیل a به e در آن، پس از کلمه‌ی مختوم به همخوان:

ketâb-ast → ketâb-e کتاب است

xub-ast → xub-e خوب است

۴.۵ حذف e پایانی اسم مفعول و تبدیل d فعل پی‌بستی به n:

rafte?id → raftin رفته‌اید

۵.۵ حذف e آغازی ضمائر شخصی پیوسته جمع و ابدال e به a در پایان کلمه‌ی قبل از آن:

xâne-yemân → xunamun خانه‌ی مان

xâne-yetân → xunatun خانه‌ی تان

xâne-yešân → xunašun خانه‌ی شان

۶.۵ حذف همخوان پایانی r و تبدیل a به e قبل از آن:

digar دیگر → dige

agar اگر → age

magar مگر → mage

âxar آخر → âxe

۷.۵ حذف y, h یا ? در کلماتی مانند کلمات زیر و تبدیل واکه‌ی i بعد از آن به y:

mixâhim می‌خواهیم → mixâym

mixâhi می‌خواهی → mixây

miyâyi می آیی → miyây
vâ?istâd وا ایستاد → vâys(t)âd

۸.۵ حذف گروه av از فعل «توانستن» و تبدیل â به u، قبل از همخوان n:

mitavânam می توانم → mitunam
tavânestam توانستم → tunestam
betavânam بتوانم → betunam
nemitavânam نمی توانم → nemtunam
nemitavânestam نمی توانستم → nemtunestam

در دو مثال اخیر، علاوه بر گروه av، واکه‌ی i نیز از نشانه‌ی تصریفی -mi، به دلیل همراهی با نشانه‌ی نفی -ne، حذف شده است.

۹.۵ حذف همخوان h از کلمه‌ی زیر و تبدیل ow به uv:

šowhar شوهر → šuvar

۱۰.۵ حذف همخوان r از حرف اضافه‌ی «را» و تبدیل â به o، پس از کلمات مختوم به همخوان:

man-râ من را → man-o

ketâb-râ کتاب را → ketâb-o

و بالاخره در کلمه‌ی زیر، حذف چندین صدا همراه با تبدیل b به v صورت گرفته است:

ruy dar bâyesti روی دریاستی → rudarvâsi (y, y, e, t حذف)

ز- اضافه^۱

«اضافه» فرایندی است که تحت شرایطی، صدایی به زنجیره‌ی گفتار اضافه می‌گردد. این فرایند آوایی نیز برای سهولت کلام صورت می‌گیرد، و از ثقیل بودن تولید بعضی از واحدهای آوایی همنشین شده می‌کاهد. «اضافه» شامل همخوان و واکه، هر دو می‌گردد.

همخوان یا وا‌که‌ی اضافه شده را صدای میانجی نامیده‌اند. همخوان میانجی بین دو وا‌که، و وا‌که‌ی میانجی بین دو همخوان قرار می‌گیرد.

همخوان‌های میانجی فارسی نوشتاری شامل y (bâbâ-ye بابای)، ? (jâ-?جائی)، g (tašne-gi تشنگی) و j (davâ-jât دواجات) است که غالباً y و ? در فارسی گفتاری حذف می‌گردند. در مقابل، فارسی گفتاری دارای همخوان میانجی h است که معمولاً همراه با حروف اضافه‌ی be یا bâ و ضمائر شخصی پیوسته می‌آید. این همخوان میانجی در فارسی نوشتاری وجود ندارد:

be-h-et	به تو
be-h-eš	به او
be-h-emun	به ما
bâ-h-ât	با تو
bâ-h-aš	با او
bâ-h-âmun	با ما

باید توجه کرد که در مثال‌های بالا، فرایند همگونی وا‌که‌یی نیز صورت گرفته است و ضمائر پیوسته‌ی -at، -aš و -emân بسته به نوع وا‌که‌ی قبل از خود، به ترتیب به et، eš، emun - یا -ât، -âš و -âmun تبدیل شده‌اند.

همخوان میانجی h در فارسی گفتاری، در بافت دیگری هم تظاهر می‌کند و آن بین کلمه‌ی مختوم به وا‌که و e- نشانه‌ی معرفه است: (۴)

bâbâ-he	آن بابا (معرفه)
âqâ-he	آن آقا (معرفه)

همخوان‌های مشدد را، که در فارسی گفتاری و نیز در فارسی نوشتاری وجود دارد، می‌توان نوعی فرایند آوایی اضافه دانست. وقوع این نوع اضافه در فارسی گفتاری بیش از فارسی نوشتاری است:

bepar	→	بپر	bepar
bepây	→	بیای	bepây

mijeham می‌جهم → mijjam

mipâyam می‌پایم → mippâm

واکه‌های میانجی فارسی نوشتاری معمولاً شامل e (yâd-e-gâr یادگار) و i (pošt-i-bân پشتیبان) است که در فارسی‌گفتاری نیز به کار می‌روند، ولی گاهی در فارسی‌گفتاری تمایل بیش‌تری برای کاربرد واکه‌ی میانجی وجود دارد: (۵)

mehr-bân مهربان → mehr- a- bun

âs-mân آسمان → âs- e- mun

šahr-yâr شهریار → šahr-i-yâr

اضافه شدن واکه به خوشه‌های همخوانی آغازی در کلمات خارجی که به فارسی راه یافته‌اند نیز نوعی فرایند آوایی اضافه است که در فارسی نوشتاری و فارسی‌گفتاری هر دو وجود دارد (kerem کرم، eski اسکی). (۶)

ح - قلب^۱

«قلب» به فرایندی گفته می‌شود که جای دو همخوان مجاور با یکدیگر عوض شود. این نوع فرایند آوایی معمولاً در فارسی‌گفتاری و آن هم در افراد بی‌سواد صورت می‌گیرد و شامل خوشه‌های همخوانی šq (eqš عشق)، ks (ask عکس)، sk (diks دیسک)، sx (noxse نسخه)، fl (qolf قفل)، br (kerbit کبریت)، xr (estaxr استخر)، sr (kars کس)، šr (orš عشر)، zr (harzat حضرت)، fr (berfes بفرست)، jr (tarjiš تجریش)، ix (nexr نرخ)، tf (keft کتف) و جز آن است.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره‌ی این موضوع ← (کلباسی ۱۳۷۵).
۲. برای توضیح بیش‌تر در مورد ابدال ← (حقوق‌شناس ۱۳۵۶: ص ۱۶۰).
۳. w در ow از نظر تولید، واکه و به لحاظ نقش، همخوان است. برای توضیح بیش‌تر ← (نمره ۱۳۶۴: ص

۱۲۱).

۴. در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، همخوان‌های میانجی دیگری نیز وجود دارند، مانند ʒ در اصفهانی (be- ʒ -sed به تو)، m در کرمانی (mā-mam ماهم)، n در کلاردشتی (to-no me mār تو و مادر من) و جز آن که مورد بحث این مقاله نیست.

۵. برای توضیح بیش‌تر در مورد صداهای میانجی در فارسی ← (کلباسی ۱۳۵۸).

۶. گاهی در فارسی گفتاری به صداهایی در زنجیره‌ی گفتار برمی‌خوریم که در فارسی نوشتاری امروزی وجود ندارد، ولی رَد پای آنها را باید در دوران گذشته‌ی زبان فارسی یافت. بنابراین، مواردی از این نوع را نباید در بحث فرایند اضافه وارد کرد، مانند $e\text{ʒ}$ در $umade\text{ʒ}$ (آمد) و at در $xordatam$ (خوردم، مراخورده است) که اولی باقیمانده‌ی ضمیر پیوسته‌ی فاعلی و دومی کوتاه شده‌ی فعل ast است ← (کلباسی ۱۳۶۷).

کتابنامه

- اقبال، عباس. ۱۳۲۱. «بندار رازی»، مجله مهر. س ۷، ش ۱: ۲۷-۳۵.
- _____ . ۱۳۲۷. «لهجه تهرانی» مجله یادگار. س ۵، ش ۴ و ۵: ۱۵۰-۱۵۲.
- ایروانی، زهرا. ۱۳۶۷. «بررسی کاربرد ضمائر خطابی اول و دوم شخص مفرد و گونه‌های آن در میان ساکنین شهر تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- اینانلو، زهره. ۱۳۵۹. «پژوهشی درباره‌ی فارسی محاوره‌ای تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- برهانی، مهرانوش. «لهجه تهرانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- توکلی، علی اصغر. ۱۳۶۷. «کشف و توضیح مکانیزم اختلاف تلفظ زبان فارسی نوشتاری و گفتاری»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲: ۵۰-۶۴.
- ثمره، یدالله. ۱۳۶۴. آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جمال‌زاده، محمدعلی. ۱۳۳۳. یکی بود و یکی نبود. تهران: ابن سینا.
- حق‌شناس، علی محمد. ۱۳۵۶. آواشناسی. تهران: آگاه.
- دبیم، گیتی. ۱۳۶۸. «گرایش‌های آوایی و واجی فارسی گفتاری تهرانی»، مجله زبان‌شناسی. س ۶، ش ۲: ۱۰۵-۹۷.
- زمردیان، رضا. ۱۳۵۵. «تغییرات صوتی در فارسی گفتاری بر اثر قانون کم کوشیدن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. س ۱۲، ش ۳: ۴۷۶-۴۸۴.
- صادقی، علی اشرف. ۱۳۶۳. تبدیل «آن» و «آم» به «اون» و «اوم» در فارسی گفتاری، مجله زبان‌شناسی، س ۱،

ش ۱: ۵۲-۷۱.

طیب، سید محمد تقی. ۱۳۵۵. «توصیف فارسی محاوره‌ای تهران و مقایسه آن با فارسی ادبی امروز بر بنیاد نظریه زبانی مقوله و میزان». پایان‌نامه‌ی دکتری، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران (چاپ نشده).
عاملی موسوی، بهناز. ۱۳۶۸. «گفتار مؤدبانه و جنسیت در فارسی تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران، (چاپ نشده).

فرشیدورد، خسرو. ۱۳۵۷. «ترکیب و اشتقاق در زبان عامیانه مردم تهران»، مجله گوهر، س ۶، ش ۱۱، ۱۰ و ۱۲.

قریب، معصومه. ۱۳۵۷. «قانون کم کوشیدن در زبان فارسی (یا صرفه‌جویی در زبان)»، مجموعه سخنرانی‌های ششمین کنگره تحقیقات ایرانی. دانشگاه آذربادگان. ج ۳، ۲۵۵-۲۶۴.
کلباسی، ایران. ۱۳۵۸. «آواهای میانجی در فارسی نوشتاری (ادبی)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران. ش ۶: ۱۰۵-۹۲.

_____ . ۱۳۶۷. «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲: ۷۰-۸۱.
_____ . ۱۳۷۵. «نوعی هماهنگی واکه‌ای در گویش کلاردشتی»، مجله زبان‌شناسی، س ۱۳، ش ۱ و ۲: ۱۱۶-۱۲۲.

کیا، صادق. ۱۳۲۳. «یادداشت‌هایی درباره زبان رازی و تهرانی»، ایران‌کود، ش ۳: ۱۴-۲۲.
محیط طباطبایی، محمد. ۱۳۲۱. «بندار رازی»، مجله محیط، س ۱، ش ۳: ۲۳-۲۸.
مشکوة‌الدینی، مهدی. ۱۳۶۴. ساخت آوایی زبان. مشهد: دانشگاه فردوسی.
نجفی، ابوالحسن. ۱۳۵۸. مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: دانشگاه آزاد ایران.
نونوار، حسین. ۱۳۶۸. «پژوهشی در فرایندهای آوایی گویش جاهلی تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران (چاپ نشده).
وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۴۳. دستور زبان عامیانه. مشهد: کتابفروشی باستان.
هدایت، صادق. ۱۳۱۸. «ترانه‌های عامیانه»، مجله موسیقی، س ۱، ش ۷.
_____ . ۱۳۲۰. «مثل‌های عوامانه»، مجله موسیقی، س ۳، ش ۱ و ۹: ۱۰.

Boyle, J.A.. 1952. «Notes on the colloquial language of Persia as Recorded in certain recent writings», *B. SOAS*. 14, pp. 45-462.

Crystal. David. 1985.

Ivanow, W.. 1913. «Notes on phonology of colloquial Persian», *Islamica*. Leipzig: p. 576-595.

Lazard, G. 1957. *Grammaire du Persan Contemporain*. Paris: Librairie Klincksieck.

peisikov, L.S.. 1960. *Tegeransky Dialekt*. (A study of the Tehran dialect of Persian).
Moskva: Izdatel'stvo Imon.

Samareh, Yadollah. 1977. *A Course in Colloquial Persian* (for foreigners). Tehran:
University of Tehran.

